

## توبه

توبه و جایگاه بلند آن در عرفان...



توبه و جایگاه بلند آن در عرفان (۱) یکی از مباحث مهم در عرفان عملی و مقامات العارفین توبه است. توبه گرچه در نظر مفسران، علمای علم اخلاق، متکلمان و محدثان از جایگاهی بلند و ارزشی والا برخوردار است اما عارفان و صوفیان توجه‌ای خاص و عنایتی ویژه به آن مبذول داشته‌اند. سیری اجمالی در آثار مشایخ بزرگ به وضوح نشانگر این معنی است. از آثار ارزشمند آنان چنین بدست می‌آید که تقریباً همه اینها توبه را از مهمترین مقامهای سالک راه حق می‌دانسته‌اند. بعنوان نمونه در آثار مختلف پیر هرات از کشف الاسرار گرفته، منازل السائرين و صد میدان و... این مطلب با اهمیت خاصی طرح شده است. (۱) محیی‌الدین عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی باب مفصلی را در دایرةالمعارف بزرگ خود (الفتوحات المکیه) (۲) به این امر اختصاص داده است.

نجم‌الدین رازی در «مرصادالعباد» (۳) دو میبحث بسیار مهم در این مورد دارد. مولوی افزون بر طرح مسئله توبه در «مثنوی معنوی» به مناسبت‌های مختلفی، توبه نصح را بطور جالب، جامع و مشروح بیان فرموده است. (۴) بلبل گلستان شعر و عرفان، حافظ شیرازی در حد قابل توجهی مسئله را مدنظر داشته و در سی و دو بیت از دیوان خود به بیان توبه پرداخته است، (۵) ابن فارض شبستری، و نسفی هر کدام بنوبه خود بر اهمیت این موضوع اصرار ورزیده‌اند. ما بعنوان نمونه سخنی از خواجه عبدالله انصاری را در ارزش والای توبه نقل می‌کنیم: «...توبه نشان راه است، و سالار بار، و کلید گنج، و شفیع وصال، و میانجی بزرگ و شرط قبول و سر همه شادی.» (۶)

از نشانه‌های اهمیت توبه، تاریخ دیرینه آن است؛ زندگی آدم ابوالبشر (۷) در این ناسوت خاکی با آن آغاز می‌شود، پیام آوران بزرگی همانند ابراهیم، اسماعیل، (۸) یونس، (۹) موسی (۱۰) و پیامبر بزرگ اسلام - صلی‌الله علیه وآله - هموار در حال توبه و در طلب توبه الهی بوده‌اند. (۱۱) امیرالمومنین علی‌ابن ابی طالب - علیه‌السلام - که همه صوفیان و عارفان بوجودش افتخار می‌کنند و وی را مرشد مرشدان و... می‌دانند - و فرزندان معصومش - بویژه امام زین‌العابدین - علیه‌السلام - رهنمودهایشان و خصوصاً نیایشهایشان مملو از توبه و استغفار است و سلوک معنوی بسیاری از ستاره‌های درخشان آسمان عشق و عرفان مانند رابعه عدویه، (۱۲) ابراهیم‌بن ادهم (۱۳) و فضیل عیاض (۱۴) و... با توبه آغاز می‌گردد و بسیاری از عارفان بزرگ آن را نخستین گام سالک در راه سازندگی می‌دانند.

از دیدگاه قرآن هم که بی‌گمان از مهمترین منابع عرفان است، دهها آیه به این امر خطیر اختصاص داده شده است، واژه «توبه» و مشتقاتش نود و دو بار و «استغفار» و مشتقاتش چهل و پنج مرتبه در کتاب خدای عزوجل استعمال شده است. افزون بر اینکه در آیات متعدد و مختلف دیگر هم بدون ذکر از این واژه‌ها این مسئله مطرح شده است. مفسران کتاب خدا نیز با عنایتی خاص به شرح و بسط و تفصیل معنای این واژه کوتاه اما پر محتوا پرداخته‌اند؛ تاملی اندک در تفاسیر شیعه و سنی بویژه تفاسیر عرفانی به روشنی این واقعیت را نشان می‌دهد بعنوان نمونه پیر هرات در تفسیر ارزشمند خود ذیل اکثر آیات توبه و استغفار، در ابعاد گوناگون توبه سخن رانده است و آهنگ کلام وی نشانگر این است که گاه آنقدر تحت تاثیر نورانیت قرآن قرار گرفته که عنان اختیار از کف داده و مطالب والا و گرانقدری که سرشار از سوز، شیفتگی و عشق است، برای ما بیادگار گذاشته است. علامه طباطبایی نیز افزون بر تفسیر این آیات بحث مفصلی در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه طرح فرموده است. (۱۵)

اخبار و روایات بسیار زیادی نیز در این باره وارد شده است که بی‌گمان مورد استفاده و استشهاد عرفا در این میبحث بوده است؛ مرحوم مجلسی مجموعه‌ای از این روایت را در «بحارالانوار» گرد آورده است. (۱۶)

خواجه نصیر طوسی - رضوان‌الله تعالی علیه - در تجرید نیز بابتی را بعنوان توبه گشوده است و شارحان کتاب وی هم مطلب را مورد شرح و تفصیل قرار داده‌اند (۱۷) از مجموع اینها نتیجه می‌گیریم که:

توبه در عرفان، اخلاق، (۱۸) قرآن، حدیث و کلام از جایگاه والا و ارزش گرانقدری برخوردار است.

به هر حال، توبه یکی از مقامات العارفین است، قبل از شروع بحث، به توضیح معنای مقام و سلوک می‌پردازیم.

معنای سلوک و مقام

هدف عارف وصول به حق و رسیدن به محبوب است و این مهم جز از راه سلوک و طی مقامات بس دشواری میسر نمی‌گردد، و

توبه یکی از این منازل و مقامها است. از اینرو از باب مقدمه اشاره‌ای به معنای سلوک و مقام نموده و در این مورد به نقل کلام تنی چند از عارفان بزرگ بسنده می‌نماییم.

شیخ محمود شبستری در توضیح معنای سلوک و مقام چنین می‌فرماید: «سلوک سالک سفری معنوی است و در این سفر مراحل قطع می‌کند و از منزل می‌گذرد در هر مرحله مقامی است که سالک به آن در می‌آید و پس از اینکه در یک مقام به کمال رسید به مقام برتر می‌رود، مقام مرتبه‌ای از مراتب سلوک است که به سعی و کوشش و اراده و اختیار سالک بدست می‌آید. روانی‌اش از مقام خود اندر گذرد بی‌آنکه حق آن مقام بگذارد. در جریان آمدن به این مقامات و گذار از آنها آینه دل سالک صفا می‌پذیرد و از جهان معنوی به او فیض می‌رسد... سالک در قدم اول به توبه متصف می‌گردد.» (۱۹)

و عزالدین کاشانی در «مصباح‌الهدایه» می‌فرماید: «مقامات در اصطلاح صوفیان اقامت‌بنده است در عبادت از آغاز سلوک به درجه‌ای که به آن توسل کرده است و شرط سالک آنست که از مقامی به مقام دیگر ترقی کند. و در تعریف آن آورده‌اند مراد از مقام مرتبه‌ای است از مراتب سلوک که در تحت قدم سالک آید و محل استقامت او گردد و زوال نپذیرد.» (۲۰)

تعداد و ترتیب مقامات

در تعداد منازل و مقامات و ترتیب و نظم آنها عبارات عارفان مختلف است. بعنوان مثال: ابونصر سراج (متوفی ۳۷۸) مراحل سلوک را هفت مقام می‌داند که به ترتیب عبارتند از: توبه و... ابومحمد الکلاباذی (م ۳۸۰) در کتاب «التعرف لمذهب اهل التصوف» از باب ۲۵ تا ۶۱ تالیف خود به ذکر پاره‌ای (۲۱) از مقامات پرداخته و از توبه آغاز و به توحید ختم کرده است. (۲۲)

عزالدین کاشانی (م ۷۳۵) در مصباح‌الهدایه مقامات را ده مرحله دانسته است و از مقام توبه آغاز و به رضا ختم کرده است. به روایت هجویری در کشف‌المحجوب اول کسی که اندر ترتیب مقامات و بسط احوال خوض کرد «ابوالحسن سری بن المفلس السقطی» استاد و دایی جنید بغدادی (۲۳) بود می‌گوید هر کدام از انبیا مقامی دارند پس مقام آدم توبه بود. (۲۴) و حاصل سخن آنکه: سخن بزرگان عرفان و تصوف در تعداد منازل و مقامات مختلف است، برخی تعداد آنها را هفت، و برخی ده و برخی چهل، روزبهان اصفهانی هزارویک، پیرهرات (خواجه عبدالله انصاری) صد و... دانسته‌اند.

در چینش و نظم و ترتیب آنها نیز بهمان اندازه سخن عارفان مختلف است. در هر حال بسیاری از شخصیت‌های برجسته عرفان، توبه را مقام اول و نخستین منزل سیر صعودی و سفر روحانی سالک دانسته‌اند.

توبه اولین مقام و منزل عارفان

بی‌گمان، سالک راه حق برای وصول به سرمنزل مقصود باید منازل و مقاماتی را طی کند و توبه اولین مقام و منزل سالکان راه حق است. کسی که می‌خواهد به سوی او سیر کند باید روی از دنیا، خود و هرچه غیراوست، برتابد و باتمام وجود متوجه حق شود و این جز با انقلابی بزرگ از درون که دیو منیت و هواها و شهوت‌ها را از تحت سیطره و سلطنت دل برافکند، ممکن نیست و این است که زمینه ساز اجابت دعوت خدا و استفاضه از فیض او و نخستین پله نردبانی است که آنسویش دریای بی‌کران وجودالهی است. و به بیانی دیگر: برای اینکه عارف واصل شود، باید مقامات و منازل بس دشواری را بپیماید و این پیمودن مراحل و مراتب منظمی دارد که نخستین آنها توبه است؛ چرا که این حرکتی است که با فضل خدا آغاز شده، برای او و بسوی او و توأم با عشق او است و برای اینکه راه این سیر صعودی هموار گردد، باید سالک طریق حق، آتش، در دل افکند و آن آتش شعله برکشد و شعله‌ها فروزان شود تا ریشه‌های گناه و آثار و تبعات غفلتها، ترک اولی‌ها و... سوخته شود و دل شیفته شیدا را آماده حرکت بسوی او کند و این همان توبه است که البته پس از یقظه (۲۵) و بیداری حاصل می‌شود. بنابراین، سائرالی الله قبل از هر چیز به توبه‌ای حقیقی بپردازد و تمام توان و تلاش خود را به منظور کمال آن می‌دول دارد که توبه‌ای کامل و نصح وار، زمینه ساز مقام بعدی. و به قول پیرهرات: «میدان دوم، میدان مروت است، از میدان توبه، میدان مروت زاید.» (۲۶) و عارفان بزرگ و عالقدر به این واقعیت تصریح فرموده‌اند که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

«میدان اول مقام توبه است و توبه بازگشتن است به خدای... توبه نشان راهست و سالار بار و کلید گنج، و شفیع وصال، و میانجی بزرگ، و شرط قبول و سرهمه شادی.» (۲۷)

عزالدین کاشانی می‌گوید: «اساس جمله مقامات و مفتاح جمیع خیرات واصل همه منازل و معاملات قلبی و قالبی، توبه است.» (۲۸)

هجویری در کشف‌المحجوب می‌گوید: اول مقام سالکان طریق حق، توبه است. (۲۹) دکتر سید محمد دامادی در کتاب «شرحی بر مقامات العارفین» می‌گوید:

توبه را باب‌الابواب گویند، زیرا اول چیزی است که طالب سالک به سبب و وسیله آن چیز به مقام قرب حضرت خداوند وصول می‌یابد، توبه است.» (۳۰)

از موارد متعددی از کتاب مشارق‌الدر استفاده می‌شود که توبه مقام اول عارفان است. (۳۱)

در مرصادالعباد می‌فرماید: «چون مرید به خدمت‌شیخ پیوست و... باید به بیست صفت موصوف باشد تا داد صحبت‌شیخ بتواند و سلوک این راه یکمال او را دست دهد. اول مقام توبه است باید که توبتی نصح کند که بنای جمله اعمال بر این اصل خواهد بود و اگر این اساس بخلل باشد در نهایت کار خلل آن ظاهر شود و جمله باطل گردد و آنهمه رنجه‌ها حبط شود.» (۳۲)

شبستری در گلشن راز می‌فرماید:

به توبه متصف گردد درآندم

شود در اصطفاء ز اولاد آدم

و لاهیجی می‌فرماید: «بدانکه در طریق سیر الی‌الله و سیر رجوعی، اول مقامی که سالک سائر برآن عبور می‌نماید، مقام توبه

است... اشاره برای معنی است که: در هنگام توجه به جانب علیین ابرار و شروع در سلوک طریقت به توبه... متصف گردد و توبه صفت وی شود. (۳۳)

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی در رساله لقاءالله پس از بیانات سودمند و جامعی در اثبات لقاءالله یعنی امکان رسیدن به مقام بلند عرفانی و معنوی از طریق مجاهده، می‌فرماید: «آری بعد از اینک مقصود معین شد آن وقت دامن همت به کمر بزند و بگوید: دست از طلب ندارم تا کام من برآید  
یا جان رسد به جانان یا جان زتن برآید  
توبه صحیحی از گذشته‌ها بکند...» (۳۴) در مصباح‌الشریعة می‌فرماید: «التوبه حبل الله و مدد عنایت و ولابد للعبد من مداومة التوبه علی کل حال.» (۳۵)

در میدان عمل نیز بسیاری از مشایخ بزرگ عرفان و تصوف از توبه آغاز کرده‌اند که بذکر نمونه‌هایی از آنان می‌پردازیم.  
توبه اولین منزل رابعه عدویه  
شاید عطار نیشابوری اولین کسی باشد که قسمتهای اول شرح زندگی رابعه عدویه را نوشته است، علی‌رغم مسلک شعری و عرفانی عطار و تلاش گسترده ایشان در جهت بزرگ نشان دادن چهره عارفان، عطار داستان توبه رابعه را بسیار مجمل و کوتاه و با شتابی تمام نقل کرده‌است. و احتمال دیگری را درباره وی تقویت نموده‌است، عبارت وی در این باره چنین است... «و گروهی گویند در مطربی افتاد آنگاه بردست حسن توبه کرد و در ویرانه ساکن گشت...» (۳۶)  
عبدالرحمن بدوی پس از تاملی عمیق در عبارت عطار و بیان علت‌شنازبدگی وی در توبه «رابعه» ضمن تحلیل نسبتا مفصلی همین روایت عطار را صحیح دانسته و اولین منزل رابعه را توبه می‌داند. (۳۷)  
توبه، اولین منزل ابراهیم ابن‌ادهم و فضیل عیاض  
اولین منزل ابراهیم ابن‌ادهم، عارف بزرگ جهان اسلام توبه است. (۳۸) حرکت عرفانی فضیل عیاض نیز با انقلابی کامل و جامع از درون (توبه) آغاز می‌شود. (۳۹) معنویت و عرفان «بشرفایی» نیز از توبه آغاز می‌گردد. (۴۰)  
البته همانگونه که اشاره کردیم همه عرفا در این مورد اتفاق نظر ندارند و برخی از آنان مقام اول را توبه نمی‌دانند، عبارت دیگر در مورد اینکه نخستین منزل سالک چیست؟ اختلاف است و در اینجا این مبحث را به کلام محی‌الدین ابن عربی در مورد اختلاف ختم می‌کنیم:  
«میان اصحاب، در مورد اولین مقام عارف و سالک اختلاف است؛ برخی از آنان فرموده‌اند: اولین مقام «یقظة است و برخی فرموده‌اند: اولین منزل «انتباه» است و برخی فرموده‌اند: نخستین گام «توبه» است.» (۴۱)  
مفهوم توبه  
توبه در لغت: توبه از ماده «توب» به معنای «رجع» (بازگشت) است. ابن فارس متوفای ۳۹۵ هـ در «معجم مقاییس اللغة» می‌گوید: «توب» التاء والباء والواو كلمة واحدة تدل علی الرجوع یقال تاب من ذنبه ای رجع عنه، یتوب الی الله توبة ومتابا...» (۴۲)  
ابن‌منظور لغوی معروف می‌گوید: «التوبة الرجوع من الذنب... و تاب الی الله یتوب توبا و توبة و متابا اناب و رجع عن المعصية الی الطاعة... و تاب الله علیه وفقه لها والله تواب یتوب علی عبده.» (۴۳)  
راغب اصفهانی می‌گوید: «توبه ترك گناه به بهترین وجه است و آن رساترین شکل پوزشخواهی است زیرا اعتذار سه قسم است و قسم چهارمی ندارد:  
۱- اینکه پوزش خواه بگوید این کار را انجام نداده‌ام. (کار را از اساس منکر شود).  
۲- بگوید آنرا بدین دلیل انجام داده‌ام. (عذری برای کارش بتراشد).  
۳- این کار را انجام داده‌ام و گناه کرده‌ام و از بن و بیخ آن را ترك می‌کنم.  
توبه در اصطلاح: آنچه در عرفان مهم است حقیقت توبه است اما بد نیست بعنوان مقدمه به ذکر پاره‌ای از تعاریف توبه که در گوشه و کنار کتب عرفانی آمده است بپردازیم.  
الف: جرجانی می‌گوید: «...و در اصطلاح شرع پشیمانی از گناهان است و صوفیان می‌گویند: توبه رجوع به خدای تعالی است برای گشودن گره‌امتناع از قلب و برخاستن به تمام حقوق پروردگار.» (۴۴)  
ب: عبدالرزاق کاشانی در شرح منازل السائرین پیر هرات می‌گوید: «توبه بازگشت از مخالفت حکم حق است به موافقت او پس تا زمانی که مکلف حقیقت گناه را نشناسد و نداند که فعلی که از او صادر می‌شود مخالف حکم خدا است برای آن مکلف رجوع از گناه صحیح نیست» (۴۵)  
ذوالنون مصری: «توبه عوام، از گناه است و توبه خواص، از غفلت.» گفت: «بر هر عنصری، توبه‌ای است توبه دل، نیت کردن است بر ترك شهوات حرام و توبه چشم، از محارم بر هم نهادن، و توبه دست، ترك گرفتن دست از مناهای و توبه پای، نارفتن به مناهای.» (۴۶)  
سهل بن عبدالله: «اول توبه، اجابت است. پس انابت است، پس توبه است، پس استغفار. اجابت به فعل بود و انابت به دل و توبه به نیت و استغفار از تقصیر...» (۴۷) اول چیزی که مبتدی را لازم آید توبه است و آن ندامت است و شهوات را از دل برکندن و از حرکات مذمومه به حرکات محموده نقل کردن و دست ندهد بنده را توبه تا خاموشی را لازم خود نگرداند و...» (۴۸)  
جنید بغدادی: «توبه را سه معنی است: اول ندامت، دوم عزم بر ترك معاودت. سوم خود را پاك کردن از مظالم و خصومت.» (۴۹)

خواجه نصیرطوسی (ره): «معنای توبه رجوع از گناه باشد و اول باید دانست گناه چه باشد.» (۵۰)  
دکتر قاسم غنی: «صوفیه توبه را به این شکل تعریف کرده‌اند که بیداری روح است از غفلت و بی‌خبری به طوری که گناهکار از راههای ناصوابی که می‌پیماید، خبردار شود و از گذشته بد خود منجز گردد ولی فقط تذکر و تنبه کافی نیست که تائب شمرده شود مگر آنکه توبه کار بکلی آن معصیت یا معاصی را که مرتکب بوده و متذکر شده رها نماید و مصمم شود که بار دیگر به آن معاصی برنگردد تا به قول شیخ عطار در منطق الطیر:

تو یقین می‌دان که صد عالم گناه

از تف یک توبه برخیزد ز راه (۵۱)

لاهیجی: «...توبه - که بازگشتن بجانب حق است و ترک ماسوی الله - متصف گردد. (۵۲)

غزالی در احیاءالعلوم، نراقی در جامع السعادات و فیض در محجةالبيضاء در تعریف توبه می‌فرمایند: «توبه عبارتست از سه امری که مترتب بر یکدیگرند و هر کدام علت دیگری است و آن سه عبارتند از: ۱- علم به مضرات گناه و اینکه سبب دوری از حق تعالی می‌گردد. ۲- ندم و پشیمانی. ۳- تصمیم و اراده به عمل. کیفیت ترتب این سه امر به این صورت است که آگاهی از زبان گناه لت‌حالت ندامت و پشیمانی از آن می‌گردد و هنگامی که بخوبی این ندامت بر انسان مستولی گردد تصمیم می‌گیرد گناهان گذشته را جبران کند و در زمان حال گناه نکند و تصمیم می‌گیرد در آینده نیز مرتکب گناه نگردد. (۵۳)

پی‌نوشتها:

- ۱- نمونه‌هایی از گفتار خواجه عبدالله انصاری در تفسیر ارزشمند «کشف‌الاسرار» به مناسبت‌های مختلف ذکر می‌کنیم.
- ۲- محیی‌الدین عربی، الفتوحات المکیه، (بیروت، داراحیاءالتراث العربی، بی‌تا)، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۴.
- ۳- نجم‌الدین رازی، مرصادالعباد، (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵) چاپ دوم، ص ۲۵۵ و ۲۵۵.
- ۴- مولانا جلال‌الدین رومی، کلیات مثنوی، (انتشارات کتابفروشی اسلامیة، بی‌تا) دفتر پنجم ۴۸۳ قصه قوم یونس و دفتر چهارم ۴۲۵ بیان حدیث انی لاستغفرالله... و دفتر پنجم ۴۹۹ توبه نصح.
- ۵- مجله علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شیراز، شماره ۱ و ۲، سال ۶۹-۷۰، توبه در اشعار حافظ.
- ۶- عبدالله انصاری، منازل‌السائرين، مترجم: روان فرهادی، (تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱) ص ۲۵۲ نقل از صد میدان
- ۷- «فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هوالتواب الرحيم» بقره: ۳۷
- ۸- «وارنا مناسکنا وتب علينا انک انت التواب الرحيم» بقره: ۱۲۸
- ۹- «وذالنونن اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات الاله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمين»
- ۱۰- فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و انا اول المؤمنین، اعراف: ۱۴۳
- ۱۱- واستغفره‌انه کان توابا، نصر: ۳ و حدود ده روایت به این مضمون وارد شده است «وانی استغفرالله فی کل یوم مائة مرة» مستدرک‌الوسایل ۱/۳۸۷
- ۱۲، ۱۳، ۱۴- رجوع به بحث توبه اولین مقام در همین مقاله.
- ۱۵- محمد حسین طباطبایی، المیزان، (قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ه. ق) چاپ سوم، ص ۲۴۴ «کلام فی التوبه»
- ۱۶- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۱) چاپ سوم، باب التوبه انواعها و شرایطها، ص ۱۱ الی ۴۳
- ۱۷- خواجه نصیرطوسی، تجرید الاعتقاد، ۹- ۳۳۱ (قم، انتشارات ایران، بی‌تا) و علامه ابوالحسن شعرانی، ترجمه و شرح تجرید، (تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۳۹۸۱ ه) چاپ دوم، ۵۸۵ - ۵۹۲.
- ۱۸- در اخلاق نیز مسئله توبه بسیار مورد توجه بوده است بعنوان مثال: فیض کاشانی در محجةالبيضاء بحث مفصلی در این باره دارد. غزالی در احیاءالعلوم بحث جامع و جالبی را آورده است. و نراقی در جامع‌السعادات نیز در ابعاد مختلف توبه بحث کرده است.
- ۱۹- شیخ محمود شبستری، مجموعه آثار (تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۵) ص ۲۴، ۲۵
- ۲۰- عزالدین کاشانی، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، (تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۷) چاپ سوم، ص ۱۲۵
- ۲۱- همان، ص ۱۲، بنقل از اللمع، ص ۸۳ و ۶۶
- ۲۲- عزالدین کاشانی، پیشین، ص ۳۶۶ تا ۴۰۰
- ۲۳- سید محمد دامادی، همان
- ۲۴- کشف‌المحجوب، هجویری، (بی‌م، بی‌تا، بی‌نا) ص ۱۳۷ و ۴۸۴
- ۲۵- معمولا «یقظة» قبل از توبه مطرح شده است و تاملی کوتاه در مسئله بیانگر صحت آن است - از جمله رجوع کنید به: خواجه عبدالله در منازل و صد میدان
- ۲۶ و ۲۷- خواجه عبدالله انصاری، پیشین، ص ۲۵۳ و ۲۵۲
- ۲۸- عزالدین کاشانی، پیشین، ص ۳۶۷
- ۲۹ و ۳۰- سید محمد دامادی، پیشین، ص ۲۹، به نقل از هجویری، پیشین، ص ۲۷۸
- ۳۱- از جمله رجوع کنید به: صفحه‌های ۱۴۸ و ۱۵۰، مشارق الدرر، شرح قصیده تائیه ابن فارض، سعید فرغانی، (انتشارات

فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۹۸ هـ)

۳۲- نجم‌الدین رازی، پیشین، ص ۲۵۷

۳۳- شرح گلشن راز، محمود لاهیجی، (انتشارات محمودی، بی‌تا) ۸- ۲۵۷

۳۴- لقاءالله، میرزا جواد ملکی تبریزی، با تعلیق سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۰

۳۵- ترجمه: «توبه ریسمان خداست و مدد عنایت او است و بنده باید در هر حال به توبه‌اش ادامه دهد.» از جمله اول و سوم می‌توان استفاده کرد که توبه به مقام اول، سلوک به سوی خدا است. مصباح‌الشریعه، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، (تهران، انجمن حکمت و فلسفه، بی‌تا) ص ۲۵۱.

۳۶- فریدالدین عطار نیشابوری، تذکرةالاولیاء، (تهران، انتشارات مرکزی، ۱۳۳۶) چاپ پنجم، ص ۶۶

۳۷- شهید عشق الهی، رابعه عدویه، عبدالرحمن بدوی، مترجم: محمد تحریرچی (تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۶) ص ۱۸ - ۲۴، به نظر می‌رسد تحلیل عبدالرحمن بدوی از سخن عطارنیشابوری عمیق و شایسته تامل است.

۳۸ و ۳۹- عطار نیشابوری، پیشین، ص ۸۸ - ۸۹ و ۷۹ - ۷۸

۴۰- ابن عربی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۳

۴۱- عطار نیشابوری، پیشین، ص ۱۰۶

۴۲- احمدبن فارس، مقاییس اللغة، (قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴، هـ ق) ج ۱، ص ۲۵۷

۴۳- ابن منظور، لسان‌العرب، (بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا) ج ۲، ص ۶۱

همانطور که در متن ملاحظه شده است توبه‌رادیوچور معنی کرده‌اند. ۱- (برگشتن و رجوع) ۲- برگشتن و رجوع مقید به «از گناه» در اقرب الموارد، قاموس و صحاح اللغة معنای دوم را اختیار کرده است در مجمع‌البیان هم‌درذیل‌آیه ۳۷ بقره، توبه را رجوع از عمل گذشته دانسته است ولی نظر صحیح آنست که توبه به معنای مطلق رجوع باشد - همانطور که علامه طباطبایی در سراسرالمیزان این معنی را پذیرفته است و دلیل آن این است که این معنی - برخلاف معنای اول - شامل توبه خدا نیز می‌گردد.

۴۴- سید محمد دامادی، پیشین، ص ۲۹، بنقل از جرجانی.

۴۵- عبدالرزاق کاشانی، شرح منازل السائرین، (تهران، انتشارات کتابخانه علمیه حامدی، ۱۳۵۴) ص ۲۱.

۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ - سید محمد دامادی، پیشین، ص ۳۰، به نقل از عطار نیشابوری، پیشین، ص ۱۵۲

۵۰- محمدبن الحسن الطووسی، اوصاف الاشراف، (مشهد، انتشارات کتابفروشی زوار، ۱۳۵۷) ص ۲۲

۵۱- قاسم غنی، تاریخ تصوف، بی‌م، ج ۲، ص ۲۲۱

۵۲- محمود شبستری، پیشین، ص ۲۸۵

۵۳- غزالی، پیشین، ج ۴، ص ۳